

## بررسی نقش اعتقاد به معاد در مدیریت از منظر

### قرآن در تفسیر نمونه

محمد اسمعیل رستمی نیا\* / مجتبی اسکندری\*\*

(۶۸-۳۱)

#### چکیده

بشریت در پابندی به هرگونه قرارداد اجتماعی و مدنیت به طور معمول، در طول تاریخ، متأثر از بعضی مبانی مثل قانون، عرف، عقاید و... بوده است. در بررسی دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی برای میزان پابندی به هر کدام از مبانی فوق مراتب و سهمی بیان می‌شود که در این قیاس عمق و سهم عقیده فوق‌العاده می‌باشد، اعتقاد است که الزام به بایدها و نبایدها در ابعاد مختلف را به دنبال دارد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و با هدف گامی در تقویت و تولید ادبیات و ارائه الگوی نظری در یکی از ابعاد مدیریت اسلامی انجام می‌گیرد. با تقویت باور مردم، به‌ویژه مدیران به معاد، آنان در کمترین اعمال خود دقت نموده، سعی خواهند کرد که اعمال خویش را به گونه‌ای رقم بزنند که در محاسبات دقیق خداوندی مهر تأیید بخورد تا آنان با مشکل مواجه نشوند. اعتقاد به معاد می‌تواند:

۱. نیات، افکار و اعمال مدیران، کارکنان و سازمان را تحت تأثیر قرار دهد؛
۲. سنجه‌های دقیقی برای ارزیابی نیات، افکار و اعمال مدیران، کارکنان و سازمان ارائه دهد؛
۳. نتایج مثبت و افزایش اثر بخشی سازمان را در پی داشته باشد؛

\*. استادیار دانشگاه جامع امام حسین ☞ - دکتری مدیریت منابع انسانی - rostaminia52@yahoo.com

\*\* . دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه امام حسین ☞ - Dreskamdaro2010@gmail.com

۴. مدیران و کارکنان سازمان را متحول، متکامل و متعالی نماید؛ ۵. سازمان و مدیران را از تشویق‌ها و پاداش‌های فراوان (خاصه از پاداش‌های معنوی زائدالوصفی) برخوردار نماید.  
 وازگان کلیدی: اعتقاد، معاد، مدیریت، مدیریت اسلامی و اثربخشی.

## مقدمه

به تاسی و تأثیر از آموزه‌های ارزنده در درس فلسفه مدیریت اسلامی، ذهنم به موضوعات ارزشمندی در ذیل عنوان کلی «مدیریت اسلامی» مشغول گردید. تأمل در «نقش معاد در مدیریت» و انجام برخی تحقیقات در گذشته بر این یقین قوت بخشید که «وجود ایمان و عقیده» عامل بسیار مؤثری در کسب موفقیت و اثربخشی در مدیریت است، ولی نقش آن متناسب با شأن و مقدارش نشان داده نشده یا از آن به میزان ممکن بهره گرفته نشده است.

بشریت در پابندی به هرگونه قرارداد اجتماعی و مدنیت به طور معمول، در طول تاریخ، متأثر از بعضی مبانی مثل قانون، عرف، عقاید و... بوده است. در بررسی دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی برای میزان پابندی به هر کدام از مبانی فوق مراتب و سهمی بیان می‌شود که در این قیاس عمق و سهم عقیده فوق‌العاده می‌باشد و وجود ایمان راسخ تعابیری از عشق، جانبازی، فدا و فنا شدن به پای آن عقیده را در پی دارد.

اعتقاد است که الزام به بایدها و نبایدها در ابعاد مختلف را به دنبال دارد، به طوری که گفته می‌شود:

اساس و زیربنای تمام حرکات مادی و معنوی هر انسانی اصول عقاید اوست که اگر سالم و صحیح، قوی و بی‌عیب باشد، اعمال و حرکات، افکار و بینش‌های مختلف او صحیح و شایسته خواهد بود. می‌توان گفت بارزترین محور عقاید الهی و اعتقادات به مضامینی چون مبدأ و معاد مربوط باشد (قائمی، ۱۳۸۱: ۷).

طول تاریخ، مخصوصاً تاریخ اسلام، پر از زندگی اشخاص و اسطوره‌هایی است که در وفاداری به عقاید از تمام زندگی خود گذشته و فتوحات و موفقیت‌های بی نظیری را موجب شده‌اند. بی تردید، هر کدام از آن اسطوره‌های موفق در مدیریت بحران‌های دوران خود توجه جدی به معاد داشتند و کلام هر یک از آن اسوه‌ها مملو از بیاناتی از وصف و توجه به معاد و آخرت‌گرایی است. آن‌ها با عینیت بخشیدن به مفاهیمی مانند رضای خدا، توجه به کمال‌نهایی افزایش اثربخشی را در مسئولیت‌های اجتماعی با بهره‌گیری از علم و منابع محقق نموده‌اند.

دکتر عابدی جعفری با استناد به نتایج تحقیقاتی می‌گوید: «برتری و موفقیت سازمان‌های مبتنی بر ایمان بصورت مکرر مورد تأیید قرار گرفته و از این رو است که حتی در کاخ سفید دفتری با نام مدیریت بر مبنی معنویت با شعبات و بودجه مفصل دائر شده است.»

در همین ارتباط و در توجه به تأثیر ایمان و معنویت بر عملکرد، بلانچارد می‌گوید: «هیچ کار درستی با راه (فکر و اعتقاد) نادرست انجام نمی‌شود.» (بلانچارد/۱۳۷۸).  
با توجه به توضیحات فوق این تحقیق با هدف ارائه الگوی نظری مناسبی در یکی از ابعاد «مدیریت اسلامی» در مسئله تأثیر اعتقاد به معاد بر عملکرد مدیریت و مدیران انجام می‌شود، تا با این تلاش‌ها، اقدامی عملی در ترویج و عینیت این مهم صورت گیرد و مهم‌تر اینکه فتح بابی گردد تا خبرگان مرتبط و علاقه‌مند مطالب اصلاحی و تکمیلی را ارائه نمایند.

## ۱. بیان مسئله

از میان عقاید دینی، اعتقاد به رستاخیز و معاد یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی و تربیت و اصلاح اوست. بدون شک، ایمان به معاد تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در اعمال انسان‌ها دارد. اصولاً اعمال انسان بازتاب اعتقادات اوست.

به تعبیر دیگر، رفتار هر کسی با جهان بینی او ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد؛ کسی که می‌داند تمام اعمالش، بی‌کم و کاست، به زودی، در دادگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد که قضاتش از همه چیز آگاهند و نه توصیه‌ها در آن‌ها مؤثر است و نه رشوه، و نه حکم دادگاهش تجدیدنظر دارد، و پس از حکم، طبق آن پاداش و کیفر می‌بیند. نه تنها در اصلاح خود می‌کوشد بلکه در انجام اعمال گوناگونش فوق‌العاده سختگیر و موشکاف است.

در کنار شمول همگانی آیات معاد - که اغلب آیات مربوط به معاد آحاد مردم را شامل می‌شود - دست‌اندرکاران مدیریت در سطوح مختلف، به لحاظ گستردگی حوزه تعاملات، مسئولیت، وظایف و امکاناتی که در اختیار دارند، به صورت ویژه‌ای، مشمول مباحث معاد می‌شوند. با توجه به ویژگی‌های فوق برای معادباوری، تأثیرات اعتقاد به معاد بر مدیران و مدیریت می‌تواند نتایجی بس گسترده به دنبال داشته باشد، چراکه هر مدیری به این باور می‌رسد که باید متناسب با وسعت حوزه مسئولیتش در مقابل خداوند مسئول و پاسخگو باشد.

با نگاه ژرف دینی و اسلامی، به نظر می‌رسد با معاد و آخرت‌گرایی که بسیار در مدیریت و ساخت مدل‌ها و برشماری اصول اثرگذار می‌باشد با غفلت برخورد شده یا مستقیماً بدان پرداخته نشده است. با کمی دقت در گذشته، تجربه تاریخ گواهی می‌هد که بیشترین و بزرگ‌ترین مدیران و مدیریت‌های موفق و نمونه از آن کسان یا جامعه‌ای است که از عقاید جدی برخوردار بوده‌اند. نقش اعتقاد به «معاد» بروز آشکارتری از مباحث مدیریتی را به ذهن متبادر می‌سازد و معمولاً با فکر کردن به معاد و مترادف‌ها و متداعیان آن [از قیامت، آخرت، بهشت، جهنم، روز حساب، محشر و ...] مفاهیم مرتبط و جالبی چون انگیزش، ارزیابی و کنترل، نظام پاداش، تشویق و تنبیه، کمال‌طلبی، بهره‌وری، نظام پیشنهادها و ... مطرح می‌شود. با این فرض که اعتقاد به معاد می‌تواند مدیر، نیروی انسانی و سازمانی موفق و متعالی را عرضه و تأمین نماید، با انجام این تحقیق به سوالات زیر پاسخ داده می‌شود:

- چه عواملی موجب اعتقاد به معاد می‌شود؟ معتقدان به معاد چه ویژگی‌هایی دارند؟  
اعتقاد به معاد و ویژگی‌های معتقدان به آن چه تأثیری می‌تواند در مدیریت داشته باشد؟  
- چه موانعی سبب کاستی اعتقاد به معاد می‌گردد؟ افراد با کاستی اعتقاد به معاد چه  
ویژگی‌هایی دارند؟ این موانع و ویژگی‌ها چه تأثیری می‌تواند در مدیریت داشته باشد؟

## ۲. مروری بر مبانی نظری

از آنجا که موضوع معاد و آخرت‌گرایی از اهم اعتقادات دیدگاه‌ها، مکاتب و گروه‌های مختلف شمرده می‌شود، از اصل مفهوم معاد و عبارات مرتبط با آن که میدان وسیعی دارد در منابع متعدد سخن فراوان به میان آمده است؛ گستردگی مباحث مرتبط با معاد به گونه‌ای است که می‌تواند بحث‌های وسیعی از مسائل طبیعی، مثل میدان گرانشی<sup>۱</sup>، تا مسائل متعدد مربوط به افکار گروه‌های لائیک را به حوزه این بحث پیوند داد که در این صورت مباحث بسیاری بسیطی را در پی خواهد داشت. بنابراین، با رعایت اختصار، از مجموع بیش از پنجاه منبع<sup>۲</sup> مراجعه‌شده صرفاً به معدودی از منابع استناد و عناوین زیر از آن‌ها اقتباس شده است.

### ۱-۲. جایگاه معاد در قانون اساسی کشور

«یکی از مصادیق بارز این موضوع (جایگاه معاد در قانون) تشکیل حکومت اسلامی در ایران است که در قانون اساسی آن، اداره جامعه امت را از شقوق مدیریت دانسته و در برشماری مبانی اداره و مدیریت، اعتقاد به معاد مبنا قرار گرفته است. به طوری که اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه اشعار می‌دارد؛ جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم به تسلیم در

برابر امر او

---

۱. از اصطلاحات و مباحث رایج در حوزه فیزیک است.

۲. وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین

۳. معاد و نقش سازنده آن در مسیر تکاملی انسان به سوی خدا

۴. عدل خداوند در خلقت و تشریح

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که ...»

(بهشتی، ۱۳۷۸: ۸۲)

اگرچه بند ۳ به صراحت معاد را مطرح می‌کند، بندهای دیگر نیز دقیقاً مؤکد و مؤید آن می‌باشد.

## ۲-۲. اعتقاد به معاد و نیل به کمال

همچنان‌که (در نگاه به جنبه کاربردی به این تحقیق) در بیان مسئله اشاره گردید، معاد و نقش سازنده آن در مسیر تکامل انسان به سوی خدا مبنایی برای مدیریت جامعه است. پس، این مبنا باید دائماً مسئولان و مدیران جامعه اسلامی را به یک عاقبت‌اندیشی، محاسبه، کنترل، و مؤاخذه توجه دهد و به‌خصوص این مهم باید از شرایط اصلی در انتصابات باشد. که نتیجه مجمل آن توجه و تنبه و هدایت مدیران به سعادت اخروی و جهان ابدی است. در مقاله «تبیین مفهوم مدیریت اسلامی» بر این مفهوم تأکید شده است که «رسالت اصلی دین حق معرفی عقاید صحیح پیرامون اصلی‌ترین مسائل هستی‌شناسی (خدا و جهان ابدی) و ارائه ارزش‌های حقیقی و برنامه‌های عملی مؤثر در سعادت دنیا و آخرت است.» (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷: ۲۳)

پروفسور یونک استاد معروف روانکاوی می‌نویسد: «دوسوم بیمارانی که از سراسر جهان به من مراجعه کرده‌اند افراد باسواد و موفقی هستند ولی درد بزرگ آن‌ها تلقی پوچی و بی‌معنا بودن زندگی بوده است. علت این است که بشر برای پیشرفت تکنولوژی، مذهب [اعتقاد] را از دست داده و سرگشته در جستجوی روح خویش است. اما تا مذهب نیابد آسایش ندارد.» (روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۶/۴: ۲).

به تأثیر از این عاقبت‌اندیشی و آخرت‌گرایی است که مدیران حکیم به مزد و پاداش‌های فرادنیایی فراخوانده شده، به آن توجه می‌کنند. امام خمینی<sup>ع</sup> نیز با اعتقاد راسخ به این اصل بود که در نامه معروف خود به گورباچف نوشته است:

- اولین مسئله که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر خدازدایی و دین‌زدایی از جامعه که تحقیقاً بزرگ‌ترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدید نظر نمایید و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بی‌پایان با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است (خمینی [امام]، ۱۳۷۰: ۶۶/۲۱).

- من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ یعنی دنیای بعد از مرگ، که دنیای جاوید است، را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. (همان: ۱۰۳)

امام علی<sup>ع</sup> در عبارتی کوتاه کمال فرادنیایی را این‌گونه توصیف می‌فرماید: «دنیای برای رسیدن به آخرت آفریده شده، نه برای رسیدن به خود (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳).

### ۳-۲. اعتقاد به معاد مولد قدرت فوق‌العاده

قرون گذشته مملو از اشخاص و گروه‌هایی است، که با اثرپذیری از اعتقاد به معاد قدرت‌های خارق‌العاده‌ای را از خود بروز داده و حوادث فوق‌تصوری را آفریده‌اند. حوادثی چون انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی عراق بر ایران ملموس‌ترین و آشناترین موضوع برای جامعه ایران و جامعه جهانی است. که در کثرت موفقیت‌های حاصله در هر کدام از آن‌ها نقش اعتقاد به معاد به وضوح دیده می‌شود. که پرداختن به آن خود مجال جداگانه‌ای نیاز دارد. در این رابطه نیز به نقل از امام خمینی<sup>ع</sup> اکتفا می‌شود، که خود مصداق بزرگی از قدرت‌های مافوق مادی است:

یکی از سردارهای اسلام گفت که من با سی نفر می‌روم با این‌ها (دشمن) مقابله

کنم. با سی عدد و ما اگر این‌ها را ترساندیم و سی نفرمان رفت و شصت هزار نفر را عقب نشانند، این چشم‌زخم اسباب این می‌شود که این‌ها آن لشکر بزرگشان هم شکست بخورد. خوب اشخاصی که آنجا بودند گفتند سی تا آخر نمی‌شود، شصت هزار نفر با سی نفر بالآخره قرار شد که شصت نفر آدم برود و این‌ها مهیا شدند و شصت نفر از جوان‌ها مهیا شدند و شب شبیخون زدند به این اردوی شصت هزار نفری، هر نفر مقابل هزار نفر و شکست دادند این‌ها را و این اسباب این شد که لشکر روم که تهیه دیده بود و هشتصد هزار هم دنبالش بود، آن‌ها هم شکست بخورند و بروند سراغ کارشان. این قوه ایمان است یعنی یک مؤمنی که اگر بکشد، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است و اگر کشته بشود، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است، با یک همچو حربه‌ای که حربه ایمان است، این دیگر ترسی از این ندارد که کشته بشود. این شهادت را برای خودش یک سعادت می‌داند. آن‌هایی که مقابل شما هست، برای دنیا می‌زنند، آن‌هایی که اعتقاد به ماورای طبیعت ندارند، اعتقاد به قیامت ندارند، اعتقاد به بهشت و جهنم ندارد، آن‌ها برای همین دنیا است، می‌خواهند دنیایشان درست بشود (خمینی [امام]، ۱۳۷۰: ۴۵/۱۲).

#### ۲-۴. اعتقاد به معاد محدودکننده اختیار و قدرت

اگرچه یکی از مبانی قدرت جایگاه و ساختار سازمان است، با اثرپذیری از اعتقاد به وضع موصوف و متأثر از ایمان به معاد و محاسبات و مجازات مربوط بر آن است که هر مدیری، با خود کنترلی، خود را مجاز به انجام هر کاری نمی‌داند و اعتقاد به معاد توجه را به عقوبت هر عمل جلب می‌کند.

در همین ارتباط، پاسخ حضرت علی علیه السلام به برادرش عقیل، که به علت فقر و نیاز، مقدار بیشتری از سهم خویش را از بیت‌المال طلب نموده، در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه، این‌گونه پاسخ داده است:

به خدا سوگند، برادرم را دیدم که به شدت تهیدست شده، از من درخواست داشت تا



یک من از گندم‌های بیت المال را به او ببخشم. کود کانش را دیدم که از گرسنگی دارای موهای ژولیده و رنگشان تیره شده، گویا با نیل رنگ شده بودند. پی‌درپی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می‌کرد، چون به گفته‌هایش گوش دادم پنداشت که دین خود را به او واگذار می‌کنم و به دلخواه او رفتار و از راه و رسم عادلانه خود دست برمی‌دارم، روزی آهنی را در آتش گذاختم، به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم. پس، چونان بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: ای عقیل! گریه کنندگان بر تو بگریند! از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است؟ اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گذاخته است؟ تو از حرارت ناچیز می‌نالی من از حرارت آتش الهی ننالم؟ (دستی، ۱۳۷۹: ۶۱).

در نگاه به این نوع از آموزه‌هاست که گفته می‌شود جامعه اسلامی و جوامع معتقد به معاد باید از رابطه‌بازی، رانت‌خواری، برخورد‌های تبعیض‌آمیز و.... پرهیز کنند. با پرهیز از این‌گونه اعمال و افکار است که جامعه با ویژگی‌های مدینه فاضله به وجود خواهد آمد.

## ۲-۵. قدرت تأثیر معاد از نظر بهداشت روان

عصر حاضر به موازات پیشرفت‌های عصر اضطراب نام نهاده شده است. اضطراب از دیدگاه روان‌شناسی هسته مرکزی بسیاری از بیماری‌های روانی تلقی می‌گردد. به طور کلی، عوامل مؤثر در سبب‌شناسی بیماری‌های روانی بسیار زیاد می‌باشد، اما در این میان چند عامل نقش مهم‌تری را ایفا می‌نماید:

۱. مادیگری بی‌حد و حساب

۲. عدم درک فلسفه شداید و مصایب

۳. تصور مرگ و نیستی

۴. عقده‌های روانی

۵. اختلاف در «عزت و نفس»

اعتقاد معاد آثار سوء این عوامل را خنثی و نقش اساسی در پیشگیری از بروز بیماری‌های روانی ایفا می‌نماید. از لحاظ واژه‌شناسی، معاد از مادهٔ عود به معنای برگشتن می‌باشد. زیرا روح بعد از مرگ دوباره زنده می‌شود و به جزای اعمال خویش می‌رسد. افراد مذهبی و معتقد به معاد از طول عمر بیشتر، سلامتی و روانی بالاتر، و مقاومت دفاعی بیشتری در مقابل شداید برخوردارند.

«جیمز راش» معتقد است در بسیاری از موارد، علت اساسی هیستری تحمل‌ناپذیری وقایع زندگی است. فرد مبتلا به بیماری مذکور سعی دارد از حالات نامساعد و تحمل‌ناپذیر فرار کند. در مشخصات بیماری هیستریک، جاه‌طلبی، خودخواهی، حساسیت نسبت به انتقاد، احتیاج به تمجید و علاقه‌مندی افراطی به مورد توجه قرار گرفتن مشاهده می‌گردد. ایمان مذهبی و اعتقاد به معاد اثر سوء فوق را کاهش می‌دهد و از ابتلای فرد به هیستری جلوگیری می‌کند (پیشگیری نوع اول). و در درمان زودرس بیماری مفید واقع می‌شود (پیشگیری نوع دوم). تنها ایمان به قیامت کافی نیست بلکه باید به یاد آن نیز بود. یاد مرگ تبعات اثرات شهوانی و نفسانی را از بین می‌برد، ریشه‌های غفلت را یکسره برمی‌کند، دل انسان را به وعده‌های الهی محکم می‌کند، روحیهٔ انسان را از قساوت به لطافت سوق می‌دهد، نشانه‌های هوس را می‌شکند و بالأخره آتش حرص را خاموش می‌کند و دنیا را نزد انسان کوچک می‌نماید. (دانشگاه اسلامی، ۱۳۸۳).

## ۶-۲. رابطهٔ معاد با مدیریت از دیدگاه انسان‌شناسی:

«در اسلام، حقوق را از تکلیف، واقعیت را از ارزش، دنیا را از آخرت، معاد را از معاش، اخلاق را از اقتصاد، تقوار از سیاست، و دین را از دولت نمی‌توان تفکیک کرد... آزادی، عقلانیت، دنیا، آخرت، حق، تکلیف، فرد، جامعه، جنگ، صلح، حکومت، شکست و پیروزی، ثروت و فقر، همه و همه، اگر در مسیر عدالت و معنویت باشند با ارزش است. عدالت و معنویت نیز از آن جهت که گام‌هایی در راه خدا، محبت به خدا و

نزدیک شدن به اوست ارزش دارند ولی ارزش ذاتی و حقیقی همان معرفت به خدا و محبت او و اطاعت اوست...

اگر توحید، معاد و عدالت فراموش نشود و شهوت پرستی حاکم نشود و آخرت از یاد نرود، لذا بد متعادل دنیوی، کسب ثروت و قدرت و رفاه و دانش، همگی، در خدمت به بشریت (نه در راه ترویج سکس و خشونت و سلاح‌های شیمیایی و اتمی و میکروبی و مواد مخدر و نظام طبقاتی سرمایه‌داری) خواهد بود و حتی می‌تواند «عبادت» شمرده شود.

از نظر عقلانیت و نظم و تلاش زندگی به گونه‌ای باش که گویی تا ابد در دنیا هستی و از حیث دل نبستن به دنیا و وارستگی و تقوا و عشق به آخرت به گونه‌ای باش که گویی همین فردا خواهی مرد. اسلام می‌خواهد که دنیا و آخرت، هر دو، را جدی بگیریم و، البته دنیا مزرعه آخرت است ولی هدف آخرت است.

آخرت خوب با دنیای سراسر ذل، جهل، تحقیر، ستم و دروغ و خشونت تأمین نمی‌شود و «من لامعاش له لامعاده»

اسلام رهبانیت و دنیاگریزی را منع می‌کند و هیچ‌یک از غرایز انسانی را تابو و حرام ندانسته است و دستور سرکوب شهوات را نداده است بلکه طرفدار تعدیل و مهار غرایز است اما دنیاگرایی به مفهوم فراموشی آخرت و دل بستن به شهوات را شدیداً نهی کرده و دعوت به زهد و تقوا کرده است. (سایت اینترنتی شهید آوینی)

## ۷-۲. آخرت گرایی، یکی از اصول مدیریت:

به تأثیر اساسی و نقش اعتقاد به معاد در مدیریت در منابع متعدد به اشکال مختلف تأکید شده است. در «کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن» از آخرت گرایی به عنوان یکی از اصول مدیریت یاد شده و فصلی از آن کتاب به این مطلب اختصاص داده شده است که اجمالاً این نکات از اصل آخرت گرایی استنتاج شده است؛ همه تلاش‌ها، موفقیت‌ها و قبول مصایب، در ایجاد یک جامعه مناسب از سوی پیامبران و اولیای الهی،

قطعاً در نتیجه ایمان به معاد بوده است. چنین توجهی می‌تواند نتایج ذیل را به همراه داشته باشد:

۱. ساده‌زیستی و زهد در مدیریت
۲. جاری شدن فرهنگ انفاق در جامعه
۳. حل مشکل ازدواج
۴. حل مشکل اشتغال
۵. توزیع عادلانه ثروت و حرمت انسان‌ها و امنیت روانی جامعه
۶. آزادی بیان. (نقی پورفر، ۱۳۷۷)

همچنان‌که اشاره شد، منابع موجود در این ارتباط زیاد است و حتی تعداد قابل توجهی از آن منابع دقیقاً با عنوان «معاد» تألیف شده است که بخشی از آن‌ها تألیفات حضرت امام علیه السلام، حضرات آیات جوادی آملی، شهید دستغیب و شهید مطهری می‌باشد. جالب‌تر اینکه خود این مؤلفان قطعاً مصادیقی از نمونه‌های معتقدان به معاد هستند. برای رعایت اختصار، از اقتباس آثار آنان پرهیز گردیده که در بسط موضوع می‌توان به آن‌ها مراجعه نمود.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

#### ۳-۱. سؤالات تحقیق

در این پژوهش، سعی بر آن است که پاسخی به این سؤالات زیر داده شود:

- چه عواملی موجب اعتقاد به معاد می‌گردد؟ معتقدان به معاد چه ویژگی‌هایی دارند؟ اعتقاد به معاد و ویژگی‌های معتقدان به آن چه تأثیری می‌تواند در مدیریت داشته باشد؟

- چه موانعی سبب کاستی اعتقاد به معاد می‌گردد؟ افراد با کاستی اعتقاد به معاد چه ویژگی‌هایی دارند؟ این موانع و ویژگی‌ها چه تأثیری می‌تواند در مدیریت داشته باشد؟ و، در نهایت، آیا مدل (مفهومی تحقیق) ارائه‌شده قابل اثبات و دفاع می‌باشد؟

افزایش اثربخشی

(متغیر وابسته)

افزایش انگیزش معنوی

(متغیر میانجی)

اعتقاد به معاد

(متغیر مستقل)

که هر تصمیمی با رعایت شرایط و موقعیتی خاص ، امکان انجام وا جراء دارد که اگر یک تصمیم ، صحیح و بموقع نباشد

**مدل مفهومی اولیه تحقیق**

**۲-۳. متغیرهای تحقیق**

متغیر مستقل: اعتقاد به معاد.

متغیر وابسته: اثربخشی.

متغیر میانجی: انگیزش معنوی.

### ۳-۳. نوع و روش تحقیق

این تحقیق کیفی، از نظر هدف کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است.

### ۳-۴. جامعه و نمونه آماری (قلمرو تحقیق)

تحقیق محدود به حوزه تفسیر نمونه<sup>۱</sup> بوده که با توجه به گستردگی، از برگزیده آن استفاده شده است.

### ۳-۵. روش گردآوری

روش گردآوری اسنادی بوده، که تلاش می‌شود تفاسیر آیات مرور شده، واژه‌های مرتبط با معاد و وظایف مدیریت از متن برگزیده تفسیر نمونه گزینش گشود و سؤالات اصلی، با تمرکز و دقت، دسته‌بندی و پاسخ داده شود.

### ۳-۶. روش تجزیه و تحلیل

با توجه به کیفی بودن تحقیق، نگرش عقلایی و استنتاج قیاسی مبنای تجزیه و تحلیل استنباطی تحقیق بوده، برای استخراج مقولات و مؤلفه‌ها به نکات زیر تصریح می‌گردد.  
۱. در استخراج مقولات و مؤلفه‌ها به تکرار و فراوانی توجه نشده است. (ضمن آنکه بر تکمیل شدن آن تأکید می‌شود.)

۲. در برخی عبارات جنبه‌های مختلفی وجود دارد که به یکی از مهم‌ترین آن‌ها توجه شده است.

### ۴. یافته‌های تحقیق

همچنان که در تحدید موضوع مشخص شد، حوزه تحقیق متن «برگزیده تفسیر نمونه» می‌باشد. ابتدا، مناسب دیده شد که فراوانی واژه‌های مرتبط در این منبع مورد بررسی

۱. تفسیر نمونه کتابی است که با همکاری جمعی از علما و زیر نظر استاد محقق آیت‌الله مکارم شیرازی نوشته شده و داری

۲۸ جلد می‌باشد. که برگزیده آن با ۵ جلد قلمرو این تحقیق است.

قرار گیرد، که دقت و تأمل در معانی و فراوانی واژه‌های مندرج در جدول زیر تعاملات مستقیم و زیادی از ارتباط بین معاد و مدیریت را به ذهن متبادر می‌سازد.

ردیف	عنوان / واژه	تعداد	کلمات مترادف که جستجو و در جمع ملحوظ شده
۱	معاد	۱۵۲۲	آخرت، قیامت و رستاخیز
۲	انگیزش	۲۰۰	انگیزه، تمایل، علاقه و تنفر
۳	کیفر و پاداش	۲۳۹۰	جزا، تبيه و تشويق، مجازات
۴	حکام و مدیران	۲۲۵۶	فرمانده، فرماندار، فرمانروا، رئیس، مسئول و حاکم
۵	قدرت حکومت، و اداره	۲۱۵۰	سازمان، شهر، روستا و کشور
۶	قانون، احکام	۱۲۲۳	قوانین و دستورالعمل
۷	کنترل، ارزیابی و محاکمه	۱۱۵۹	دادگاه، قضاوت، محاسبه و رسیدگی
۸	پیشنهاد و مشورت	۲۳۳	رای و نظر
۹	کارگزاران و زیردستان	...	...

در تکمیل جدول فوق، به نکاتی اشاره می‌شود:

۱. با استماع سخنرانی ماه رمضان سال (۱۳۸۴) حضرت آیت الله مکارم شیرازی مشخص شد، که به موضوع «معاد» در بیش از ۲۰۰۰ آیه قرآن پرداخته شده است که در این صورت، به نظر می‌رسد «معاد» در اغلب سوره‌های قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

۲. تعداد تکرار و فراوانی لفظ «معاد» و مفاهیم مربوط به آن رو به سمت پایانی قرآن افزایش می‌یابد؛

حال، مؤلفه‌های فوق به صورت ریز مورد توجه و مذاقه قرار گرفته، با استناد در قلمرو تحقیق (تفسیر نمونه) در سه بخش استنتاج کلی از نگرش به معاد، صفات، عمکرد و نتایج عمکرد معتقدان به معاد و کسانی که به معاد اعتقاد ندارند مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۱-۴. استنتاج کلی از نگرش به معاد

مسائل مربوط با معاد بسیار متنوع است و گویا هیچ فعلی از نیات، افکار، و اعمال نمی‌تواند بی‌ارتباط با معاد باشد. بر این اساس، در استنتاج کلی از نگرش به معاد، محورهای زیر با استنادات مربوط ارائه می‌گردد.

#### ۱-۱-۴. معاد و هدفمندی خلقت (تکامل دنیا در وصول به آخرت):

- **سبأ: ۸:** به راستی، اگر زندگی محدود به همین چند روز عمر دنیا بود، تصور مرگ برای هر انسانی کابوس و حشتناکی می‌شد... در حالی که معاد مرگ را دریچه‌ای به سوی جهان بقا و وسیله‌ای برای شکسته شدن قفس و آزادی از این زندان می‌شمارند.

- **واقعه: ۶۲-۶۳:** ... فی‌المثل، اگر ما از بیابانی بگذریم و در آن قصر بسیار مجلل و باشکوهی با محکم‌ترین و عالی‌ترین مصالح و با تشکیلات وسیع و گسترده ببینیم، بعد به ما بگویند این همه تشکیلات و ساختمان عظیم برای این است که فقط قافله کوچکی چند ساعتی در آن بیاساید و برود، پیش خود می‌گوییم این کار حکیمانه نیست، زیرا برای چنین هدفی مناسب این بود چند خیمه کوچک برپا شود. دنیای با این عظمت و این همه کرات و خورشید و ماه و انواع موجودات زمینی نمی‌تواند برای هدف کوچکی مثل زندگی چندروزه بشر در دنیا آفریده شده باشد. و گرنه، آفرینش جهان پوچ و بی‌حاصل است.

از سوی دیگر، اشاره به این است که این نظام حکیمانه نمی‌تواند بیهوده و عبث باشد، در حالی که اگر با پایان این زندگی مادی دنیا همه چیز پایان یابد، مسلماً طرحی عبث و بیهوده خواهد بود و، به این ترتیب، از دو جهت، استدلال برای مسئله معاد شمرده می‌شود: از طریق برهان قدرت و برهان حکمت.

**اسراء: ۵۸؛** این آیه آن‌ها را با گفتار بیدارکننده‌ای اندرز می‌دهد و پایان و فنای این دنیا را در مقابل دیدگان عقلشان مجسم می‌سازد تا بدانند این سراسرای فانی است و سرای بقا جای دیگر است و خود را برای مقابله با نتایج اعمالشان آماده سازند. (همان: ۶۴۹/۲)



از تفسیر آیات زخرف: ۱۴ (همان: ۳۶۲/۴)، جائیه: ۲۴ (همان: ۴۱۶/۴)، نجم: ۴۷ (همان: ۵۹۵/۴)، واقعه: ۵۷ (همان: ۸۱/۵)، تغابن: ۷ (همان: ۲۰۱/۵)، طلاق: ۱۲ (همان: ۸۱/۵)، قیامت: ۳۶ (همان: ۳۵۰/۵)، انشقاق: ۱۵ و ۱۹ (همان: ۴۵۰/۵)، تین: ۷ (همان: ۵۳۶/۵)، حج: ۶ (همان: ۲۰۱/۳)، بقره: ۲۹ (همان: ۵۸/۱) و مؤمنون: ۳۵ (همان: ۳۵۰/۳) این گونه استفاده می شود:

تفکر و تعمق در مورد آفریدگار و مبدأ [و برنامه های هدایتی، نظم، تربیت، اعزام رسولان، برگزیدن رهبران الهی و ...] با بیان ادله های فراوان مؤید آن است که ختم امور دنیا به مرگ نیست و هدف خلقت در توجه به آخرت کامل خواهد شد و تحقق اهداف و اخذ نتایج در آنجاست و حیات پس از مرگ حتمی است.

## ۲-۱-۴. معاد، نظام مندی، عینیت و عمل گرایی

بقره: ۲۵۸؛ تجلی سطوح مختلف مدیریتی در جوامع مرهون ضابطه و اعمال احکام و قوانین است؛ با هشدارهای انبیا و توجه به مبدأ و معاد و جهان دیگر، که در آنجا پاداش و کیفر اعمال خویش را در می یابند، برای گرفتن احکام و قوانین الهی آمادگی ایجاد می شود. بدین رو، می فرماید: «وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ»؛ خداوند با آن ها کتاب آسمانی به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند حکومت کند. در جای دیگر تأکید می شود که جامعه با این احکام و قوانین اداره می شود. به این ترتیب، ایمان به مبدأ و معاد و رسولان الهی با التزام عملی به تمام دستور الهی همراه و هماهنگ می گردد (ر.ک. همان: ۲۵۷/۱).

**در توضیح شأن نزول سوره فاطر؛** با توجه به اینکه می دانیم درهای بهشت همان عقاید و اعمال صالحی است که سبب وصول به بهشت می شود، ممکن است این روایت اشاره به ابواب سه گانه اعتقاد به توحید، معاد و رسالت پیامبر ﷺ باشد... قرآن برنامه عمل است و تلاوت آن سرآغازی است برای تفکر و ایمان و آن نیز از همین جا و با همین شرایط تحقیق می باید. (همان: ۵۶/۴)

### ۳-۱-۴. معاد، آزادی مقید و مذاکره مستدل

**تغابن: ۱۲:** فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ اگر شما روی گردان شوید [اطاعت نکنید، او هرگز مأمور به اجبار شما نیست] رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه‌ای ندارد.

آری! او موظف به رساندن پیام حق است. بعداً سر و کار شما با خداست. و این تعبیر یک نوع تهدید جدی و سربسته است (همان: ۲۰۴/۵).

**انفطار: ۶:** ... برای بیدار کردن انسان از خواب غفلت و توجه او به مسئولیت‌هایش در برابر خداوند، نخست او را مخاطب ساخته و با یک استفهام توبیخی شدید و، در عین حال، توأم با نوعی لطف و محبت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»؛ ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته؟

به مقتضای ربوبیتش، پیوسته او را در کنف حمایت خود قرار داده و تربیت و تکامل را بر عهده گرفته است و به مقتضای کرمش، او را بر سر خوان نعمت خود نشانده و از تمام مواهب مادی و معنوی برخوردار ساخته است. در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که هنگام تلاوت این آیه فرمود: «غَرَّةٌ جَهْلَةٌ»؛ جهل و نادانی‌اش او را مغرور و غافل ساخته است! از اینجاست روشن می‌شود هدف این است که با تکیه بر مسئله ربوبیت و کرم خداوند غرور و غفلت و جهل انسان را درهم بشکند. (همان: ۴۳۰/۵)

**نجم: ۵۰:** ... فراز اول ناظر به مسئولیت هر کس در مقابل اعمالش می‌باشد و فراز دوم دربارهٔ منتهی شدن تمام خطوط به پروردگار سخن می‌گوید. و در اینجا تنها به ذکر یک مطلب می‌پردازد: سخن از مجازات و هلاکت دردناک چهار قوم از اقوام ستمگر پیشین است که هشدار می‌دهد برای آن‌ها که از دستورات گذشته سرپیچی می‌کنند و به مبدأ و معاد ایمان ندارند. (همان: ۶۹۶/۴)

**انفطار: ۱۰:** سپس، برای از میان بردن عوامل غرور و غفلت و تقویت ایمان به معاد می‌افزاید: «وَأِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ»؛ و بی‌شک، نگاهبانانی بر شما گمارده شده است.

#### ۴-۱-۴. سطوح سلسله مراتب و وحدت فرماندهی و مدیریت

**تغابن: ۱۲؛** ... می افزاید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»؛ و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را. ناگفته پیداست که اطاعت رسول خدا ﷺ نیز شعبه‌ای از اطاعت خداوند است، چرا که او از خود چیزی نمی گوید، و تکرار «اطیعوا» در اینجا اشاره به همین است که این دو در عرض هم نیستند بلکه یکی از دیگری سرچشمه می گیرد. از این گذشته، اطاعت خداوند مربوط به اصول قوانین و تشریح الهی است و اطاعت رسول مربوط به تفسیرها و مسائل اجرایی می باشد. بنابراین، یکی اصل و دیگری فرع است (همان: ۲۰/۵).

#### ۴-۱-۵. تصمیم گیری به موقع و مدیریت زمان

**یس: ۶۸؛** در این آیه، به وضع انسان در پایان عمر از نظر ضعف و ناتوانی عقل و جسم اشاره می کند تا هم هشدار می باشد به آن‌ها که برای انتخاب راه هدایت امروز و فردا می کنند، و هم پاسخی به کسانی که تقصیرات خود را به گردن عمر می افکنند و هم دلیل باشد به قدرت خداوند که او همان گونه که می تواند یک انسان نیرومند را به ضعف و ناتوانی یک نوزاد بازگرداند، قادر است بر مسئله معاد و، همچنین، بر نابینا ساختن مجرمان و از حرکت بازداشتن آن‌ها (همان: ۱۰۶/۴).

**نبا: ۵؛** «ثُمَّ كَلَّمَ سَيِّعْمُونَ»؛ باز هم چنین نیست و به زودی می فهمند آن روز باخبر می شوند که فریاد و احسرتای آن‌ها بلند است و از تفریط و کوتاهی خود سخت پشیمان می شوند (همان: ۳۷۹/۵).

**واقعه: ۸۳؛** از لحظات حساسی که آدمی را سخت در فکر فرو می برد لحظه احتضار و پایان عمر انسان هاست. در آن لحظه که کار از کار گذشته و اطرافیان مأیوس و نومید به شخص محتضر نگاه می کنند و می بینند همچون شمعی که عمرش پایان گرفته آهسته آهسته خاموش می شود باز ندگی و داع می گوید و هیچ کاری از دست هیچ کس ساخته نیست (همان: ۸۸/۵).

#### ۶-۱-۴. ارزیابی، نظارت و کنترل عملکرد

سبأ: ۴؛ «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ هدف این است که آن‌ها را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام دادند پاداش دهد. «وَلِيُنْكَرَ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَرِزْقًا كَرِيمًا»؛ آری، برای آن‌ها مغفرت و روزی پرارزش است.

آیا اگر صالح‌العمل به پاداش خود نرسند، اصل عدالت که از اساسی‌ترین اصول خلقت است تعطیل نمی‌گردد؟

سبأ: ۳؛ از سوی دیگر، چه کسی می‌تواند حساب این اعمال بندگان را در نهان و آشکار و درون و برون نگاه دارد و به موقع به این حساب‌ها برسد؟ از این رو، در دنباله آیه اضافه می‌کند: «عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ»؛ او از تمام امور پنهانی باخبر است و به اندازه سنگینی ذره‌ای در تمام آسمان‌ها و در زمین از حوزه علم بی‌پایان او بیرون نخواهد بود. «وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ»؛ و نه کوچک‌تر از ذره و نه بزرگ‌تر از آن، مگر اینکه همه این‌ها در کتاب مبین ثبت و ضبط است (همان: ۲۸/۴).

سبأ: ۵؛ و از آنجا که بخش دیگر عدالت در مورد مجازات گنهکاران و مجرمان است، در این آیه می‌افزاید: «وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ»؛ و کسانی که سعی در تکذیب آیات ما داشتند [و گمان می‌کردند از حوزه قدرت ما می‌توانند بگریزند] عذابی بد و دردناک خواهند داشت (همان: ۲۷/۴).

سبأ: ۳۱؛ ... سپس، به وضع آن‌ها در قیامت پرداخته، روی سخن را به پیامبر ﷺ کرده، می‌گوید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ»؛ اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان [برای حساب و دادرسی] نگه داشته‌اند، در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، از وضع آن‌ها تعجب می‌کنی (همان: ۴۳/۴).

غافر: ۲۱؛ با اشاره به ماجرای فرعون و فرعونیان، می‌فرماید: «فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ»؛ ولی خداوند آن‌ها را به گناهانشان گرفت و در برابر عذاب

او مدافعی نداشتند. نه کثرت نفرات آن‌ها مانع عذاب الهی شد و نه قدرت و شوکت و مال و ثروت بی حسابشان (همان: ۲۶۴/۴).

**لقمان: ۱۶؛** لقمان می گوید: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی [در کار نیک یا بد] باشد و در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آن آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را [در دادگاه قیامت] می آورد [و حساب آن را می رسد، چراکه] خداوند دقیق و آگاه است.

... اعمال نیک و بد هر قدر کوچک و کم ارزش و هر قدر مخفی و پنهان باشد، همانند خردلی در اعماق زمین یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها، خداوند لطیف و خیر از تمام موجودات کوچک و بزرگ و صغیر و کبیر در سراسر عالم هستی آگاه است (همان: ۵۸۸/۳).

**الرحمن: ۴۲؛** ... می گوید: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»؛ پس، کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می کنید؟!

درست است که تهدید فوق به ظاهر در مسیر مجازات و کیفر است، ولی از آنجا که ذکر آن هشدار است به همه انسان‌ها و عاملی است برای اصلاح و تربیت، طبعاً لطف و نعمتی شمرده می شود. و اصولاً وجود حساب در هر دستگاه نعمت بزرگی است، چراکه برای آن سرهای همه به حساب خواهد آمد! (همان: ۶۱/۵).

**احقاف: ۱۹؛** ... «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا»؛ و برای هر کدام از آن‌ها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند.

چنان نیست که بهشتیان یا دوزخیان همه در یک درجه باشند، بلکه آن‌ها نیز به تفاوت اعمالشان و به تناسب خلوص نیت و میزان معرفتشان مقامات متفاوتی دارند، و اصل عدالت دقیقاً در اینجا حاکم است. سپس، می افزاید: هدف این است که خداوند اعمال آن‌ها را بی کم و کاست به آنان تحویل دهد؛ «وَلِيُؤْتِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ». این تعبیر اشاره دیگری است به مسئله تجسم اعمال که در آنجا اعمال آدمی با او خواهد بود؛ اعمال

نیکش مایه رحمت و آرامش اوست، و اعمال زشتش مایه بلا و ناراحتی و رنج و عذاب. در پایان، تأکید می‌کند: «وَهُمْ لَاطْلُمُونَ»؛ و به آن‌ها هیچ ستمی نخواهد شد، چرا که اعمال خودشان را دریافت می‌دارند. منظور از «قرین» در اینجا فرشته‌ای است که در دنیا همراه انسان و مأمور ضبط اعمال اوست. (همان: ۴/۳۰)

**ق: ۵؛** سپس، خداوند دو فرشته مأمور ثبت اعمال را مخاطب ساخته، فرمان می‌دهد: «الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ»؛ هر کافر متکبر لجوج را در جهنم افکنید. (همان: ۴/۵۱)

**اعراف: ۲۹؛** تحقق عدالت از خداوند به پیامبر گرامی اسلام ﷺ امر شده: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» و، همچنین، در همین آیه، قبل از تحقق عدالت و وظایف عملی دیگر به معاد تأکید شده که از آن عبارات این گونه استنباط می‌شود که در صدور هر گونه اعمال باید منتظر محاسبه آن در معاد بود.

**زمر: ۷؛** «ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ سپس، بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است و او شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد.

و چون مسئله محاسبه و جزا بدون علم و آگاهی از اسرار نهان امکان‌پذیر نیست، آیه را با این جمله پایان می‌دهد: «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه است. به این ترتیب مجموعه‌ای از فلسفه تکلیف و خصوصیات آن و، همچنین، مسئولیت انسان و مسئله جزا و پاداش و کیفر را در جمله‌هایی کوتاه و منسجم بیان می‌دارد (همان: ۴/۲۱۲).

**شورا: ۹؛** همچنین، «میزان» در معنای کنایی به هر گونه معیار سنجش و به قانون صحیح الهی و حتی به شخص پیامبر اسلام ﷺ و امامان راستین ﷺ که وجودشان معیار تشخیص حق از باطل است اطلاق می‌گردد و میزان روز قیامت نیز نمونه‌ای است از این معنا. به این ترتیب، خداوند کتابی بر پیامبر اسلام ﷺ نازل کرده است که هم حق است و هم میزان ارزیابی ارزش‌ها. و از آنجا که نتیجه همه این مسائل، مخصوصاً بروز و ظهور کامل حق و عدالت و نیز میزان در قیامت است، در پایان آیه می‌فرماید: «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ»؛ تو چه می‌دانی؟ شاید ساعت [قیام رستاخیز] نزدیک باشد.

**ذاریات: ۲۲؛** «أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ آيا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار گرفته نگاه نکرده‌اید؟ این همان برهان قدرت است که در آیات دیگر قرآن در برابر منکران معاد به آن استدلال شده است، از جمله در آخر آیه ۸۲ سوره یس و آیه ۹۹ سوره اسراء. بخش پایانی برای ارزیابی فعالیت و اعمال تنبیه در مدیریت نیز قابل استناد است (ر.ک. همان: ۳۹/۲).

#### ۴-۱-۷. انگیزش

**قیامت: ۲؛** «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»؛ و سوگند به وجدان بیدار و ملامتگر. که رستاخیز حق است و همه شما در قیامت برانگیخته می‌شوید و به سزای اعمالتان می‌رسید!.

در مورد رابطه این دو سوگند با هم باید بگوییم: حقیقت این است که یکی از دلایل وجود معاد وجود محکمه و جدان در درون جان انسان است که به هنگام انجام کار نیک روح آدمی را مملو از شادی و نشاط می‌کند، و از این طریق، به او پاداش می‌دهد و به هنگام انجام کار زشت یا ارتکاب جنایت روح او را سخت در فشار قرار داده، مجازات و شکنجه می‌کند، به حدی که گاه برای نجات از عذاب و جدان اقدام به خودکشی می‌کند. وقتی عالم صغیر، یعنی وجود انسان، در دل خود محکمه و دادگاه کوچکی دارد، چگونه عالم کبیر با آن عظمتش محکمه عدل عظیمی نخواهد داشت؟ و از اینجاست که ما از وجود وجدان اخلاقی به وجود رستاخیز و قیامت پی می‌بریم (همان: ۳۴۰/۵).

**قیامت: ۳۰؛** ... «إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ»؛ مسیر [همه خلائق] در آن روز به سوی [دادگاه] پروردگار توست. آری! همه به سوی او باز می‌گردند و در دادگاه عدل او حاضر می‌شوند و تمام خطوط به او منتهی خواهد گشت. این آیه هم تأکیدی بر مسئله معاد و رستاخیز عمومی بندگان است و هم می‌تواند اشاره‌ای به جهت‌گیری حرکت تکاملی خلائق به سوی ذات پاک او، که ذاتی است بی‌نهایت از هر جهت، بوده باشد. (همان: ۳۴۹/۵)

**غاشیه: ۱۷؛** در آیات گذشته، بحث‌های فراوانی پیرامون بهشت و نعمت‌هایش آمده بود، اما در اینجا سخن از کلید اصلی و صول به آن نعمت‌ها، که آن کلید «معرفة الله»

می‌باشد، به میان آمده است و با ذکر چهار نمونه از مظاهر قدرت خداوند، از خلقت بدیع خدا و دعوت انسان به مطالعه درباره آن‌ها راه ورود به بهشت را نشان می‌دهد، در ضمن، اشاره‌ای است به قدرت بی‌پایان خدا که کلید حل مسئله [معاد] است.

نخست می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ؟» آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ ... ناگفته پیداست که منظور از «نظر» در جمله «فَلَا يَنْظُرُونَ» نگاه کردن عادی نیست، بلکه نگاهی است توأم با تفکر و اندیشه و دقت.

**تکاثر: ۲؛ «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛** تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید] و قبور مردگان خود را بر شمردید و به آن افتخار کردید. از امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه آمده است که بعد از تلاوت «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» فرمود: «شگفتا! چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافللی! و چه افتخار موهوم و دردناکی! به یاد استخوان پوسیده کسانی افتاده‌اند که سال‌هاست خاک شده‌اند، آن‌هم چه یادآوری! با این فاصله دور! به یاد کسانی افتاده‌اند که سودی به حالشان ندارند. آیا به محل نابودی پدران خویش افتخار می‌کنند؟ یا با شمردن تعداد مردگان، خود را بسیار می‌شمارند؟ آن‌ها خواهان بازگشت اجساد هستند که تار و پودشان از هم گسسته و حرکاتشان به سکون مبدل شده است. این اجساد پوسیده، اگر مایه عبرت باشند، سزاوارتر است تا موجب افتخار گردند! (همان: ۳۸۴/۴).

## ۲-۴. معتقدان به معاد

در این بخش، اختصاصاً وضعیت، ویژگی، عملکرد و عاقبت معتقدان به معاد مورد توجه قرار گرفته است و استنادات هر کدام از عناوین فوق به تفکیک آورده شده است.

### ۱-۲-۴. صفات و ویژگی‌های معتقدان به معاد

**قیامت: ۴۰؛** در اینجا روی سخن را به پیامبر صلی الله علیه و آله کرده، دستورات مؤکدی برای هدایت انسان‌ها و صبر و مقاومت در این راه به او می‌دهد. در واقع، این آیات راه وصول به آن همه نعمت‌های بی‌مانند را نشان داده است که تنها از طریق تمسک به قرآن و پیروی از رهبری



چون پیامبر اسلام ﷺ و الهام گرفتن از دستورات او امکان پذیر است. نخست، می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا»؛ مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم (همان: ۳۶۰/۵).

**سور۱۰: ۱۰؛** ولی آن ها که ایمان آورده اند پیوسته با خوف و هراس مراقب آن هستند، و می دانند آن حق است و خواهد آمد. «وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ»؛ و از اینجا روشن می شود که ایمان به قیامت و دادگاه بزرگ عدل الهی مخصوصاً با توجه به این معنا که هر لحظه احتمال وقوع آن می رود چه تأثیر تربیتی عمیقی دارد (همان: ۳۲۸/۴).

**در توضیح شأن نزول سوره احزاب:** این سوره اشاره ای به مسئله مهم معاد دارد و در راه نجات در آن عرصه عظیم و همچنین مسئله امانت داری بزرگ انسان یعنی مسئله تعهد و تکلیف و مسئولیت او شرح می دهد (همان: ۵۸۴/۳).

#### ۲-۲-۴. عملکرد معتقدان به معاد

**بقره: ۲۶۱؛** «تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»؛ و در آن [کتاب] هر چیز را که مورد نیاز بوده و در مسیر تکامل انسان اثر داشت بازگو کردیم. «وَهُدًى وَرَحْمَةً»؛ و نیز این کتاب، که بر موسی نازل شد، مایه هدایت و رحمت بود. «لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ»؛ تمام این برنامه ها برای آن بود که به روز رستاخیز و لقای پروردگار ایمان بیاورند و با ایمان به معاد افکار و گفتار و رفتارشان پاک شوند. (همان: ۲۳/۲)

**عنکبوت: ۲۴؛** از آنجایی که ثمره ایمان به توحید و معاد همان برنامه های سازنده و عملی است، به دنبال این بحث ها مردم را به وفای به عهد و صلح و صبر و استقامت و انفاق در پنهان و آشکار و ترک انتقام جویی دعوت می کند (همان: ۴۹۵/۲).

**مؤمنون: ۶۰؛** ... از ترس آمیخته به احترام و تعظیم، که انگیزه ایمان به پروردگار و نفی هر گونه شرک است، شروع می شود و به ایمان به معاد و دادگاه عدل خدا که موجب احساس و مسئولیت و انگیزه هر کار نیک است منتهی می گردد (همان: ۲۵۷/۳).

**حدید: ۱۹؛** واژه «شهداء» ممکن است به معنای شهادت بر اعمال باشد، همان گونه که از آیات دیگر قرآن استفاده می شود که پیامبران گواه اعمال امت های خود هستند و پیامبر

اسلام ﷺ گواه بر آن‌ها و بر امت اسلامی است، و مسلمانان نیز شاهد و گواه بر اعمال مردم‌اند. بعضی نیز احتمال داده‌اند که «شهداء» در اینجا به همان معنای شهیدان راه خداست، یعنی افراد مؤمن اجر و پاداش شهیدان را دارند و به منزله شهدا می‌باشند. سپس، می‌افزاید: «أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ»؛ برای آن‌هاست پاداش [اعمال] شان و نور [ایمان] شان. این تعبیر، سر بسته، اشاره به پاداش عظیم و نور فوق العاده آن‌هاست. در ادامه بحث آیات گذشته پیرامون و اجر و پاداششان در پیشگاه خدا، در اینجا می‌افزاید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ»؛ کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند آن‌ها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشان‌اند. (صدیق) کسی است که سر تا پا صداقت و راستی است و عملش گفتارش را تصدیق می‌کند (همان: ۱۴۹/۵).

#### ۳-۲-۴. عاقبت معتقدان به معاد

**مطففین: ۱۸؛** در اینجا، سخنی از گروه مقابل آنان یعنی ابرار و نیکان است که ملاحظه افتخارات و امتیازات آن‌ها در برابر فاجران موقعیت هر دو را روشن‌تر می‌سازد. نخست، می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ»؛ چنان نیست که آن‌ها [درباره معاد] می‌پندارند، بلکه نامه اعمال ابرار و نیکان در علین است.

«أَبْرَار» کسانی هستند که روحی وسیع و همتی بلند و اعتقاد و عملی نیک دارند. شبیه همان دو تفسیر که در آیات سابق درباره «سجین» داشتیم، درباره «علین» نیز صادق است. نخست، اینکه منظور از «كِتَابَ الْأَبْرَارِ» نامه اعمال نیکان و پاکان است و هدف بیان این نکته است که نامه اعمال آن‌ها در یک دیوان کل به نام «علین»، که بیانگر تمام اعمال است، قرار دارد، دیوانی که بسیار بلند مرتبه و والا مقام است، یا اینکه نامه اعمال آن‌ها بر فراز آن‌ها در شریف‌ترین مکان یا بر فراز بهشت در بلندترین مقام جای دارد، و همه اینها نشان می‌دهد که مقام خود آن‌ها (ابرار) فوق العاده بلند و والا است. تفسیر دیگر اینکه «کتاب» در اینجا به معنای سرنوشت و حکم قطعی الهی است که مقرر داشته که نیکان در اعلا درجات بهشت باشند (همان: ۴۳۹/۵).

### ۳-۴. افرادی که اعتقاد به معاد ندارند

در این بخش از سخن، به بررسی وضعیت کسانی پرداخته می‌شود که یا به معاد اعتقاد ندارند یا اینکه بنا به دلایلی اعتقاد آن‌ها ضعیف می‌باشد. استنادات موجود در این بخش در زیر سه عنوان ویژگی‌ها، عملکرد و عاقبت این‌گونه افراد آورده می‌شود.

#### ۱-۳-۴. صفات و ویژگی‌های افرادی که معاد اعتقاد ندارند

**فصلت: ۷؛** این آیه به معرفی مشرکان پرداخته، جمله‌هایی را در این زمینه بازگو می‌کند: «الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ». منظور از ترک زکات ترک انفاق است که نشانه عدم ایمان آن‌ها به خداست و به همین دلیل، در ردیف عدم ایمان به معاد ذکر شده است یا مراد از ترک زکات، ترک زکات توأم با انکار و جوب آن است (همان: ۲۹۹/۴).

**هود: ۱۹؛** «وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»؛ آن‌ها به قیامت و روز رستاخیز ایمان ندارند و عدم ایمانشان به معاد سرچشمه سایر انحرافات و تبهکاری‌های گوناگون می‌شود. (همان: ۳۳۴/۲)

**زمر: ۴۵؛** «وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ»؛ هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئز و متنفر می‌گردد اما هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می‌شود آنان خوشحال می‌شوند.

گاه انسان چنان به زشتی‌ها خو می‌گیرد و از پاکی‌ها و نیکی‌ها بیگانه می‌شود که از شنیدن نام حق ناراحت می‌شود ولی از شنیدن باطل مسرور و شاد می‌شود و نقطه مقابل آن‌هایی هستند که... (همان: ۲۳۴/۴).

**روم: ۱۹؛** ... به مجرمان یا به همه انسان‌ها خطاب می‌شود: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كَفَبَصْرِكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»؛ تو از این صحنه [و دادگاه بزرگ] غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! آری! پرده‌های جهان ماده: آمال و آرزوها، عشق و علاقه به دنیا، زن و فرزند و مال و مقام،

هوس‌های سرکش و حسادت‌ها، تعصب و جهل و لجاجت به تو اجازه نمی‌داد که امروز را از همان زمان بنگری، با اینکه نشانه‌های معاد و رستخیز روشن بود و دلایل آن آشکار! (همان: ۱۰۰/۳).

**صافات: ۱۲؛** «بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ»: تو از انکار آن‌ها نسبت به معاد تعجب می‌کنی ولی آن‌ها [معاد را] مسخره می‌کنند... عامل این زشتکاری‌ها تنها نادانی و جهل نیست، بلکه لجاجت و عناد است. از این رو، هنگامی که به آن‌ها یادآوری دلایل معاد و مجازات الهی می‌شود، هرگز متذکر نمی‌گردند و همچنان به راه خویش ادامه می‌دهند؛ «وَأِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ» (همان: ۲۰۶/۴).

**حدید: ۲۰؛** از آنجا که حُب و علاقه دنیا سرچشمه هر گناه است، در این آیه، ترسیم گویایی از وضع زندگی دنیا و مراحل مختلف و انگیزه‌های حاکم بر هر مرحله را ارائه داده است و می‌فرماید: «اعلموا أنّما الحياة الدنيا لعبٌ ولهوٌ وزينةٌ وتفآخر بينكم وتكاثرٌ في الأموالِ والأولادِ»؛ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است. به این ترتیب، غفلت، سرگرمی، تجمل، تفاخر و تکاثر دوران‌های پنج‌گانه عمر آدمی را تشکیل می‌دهند.

**قیامت: ۵-۶؛** ... انسان شک در معاد ندارد، بلکه او می‌خواهد [آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت] در تمام عمر گناه کند؛ «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ. أُوْمِي خَوَاهِدُ از طریق انکار معاد، برای هرگونه هوسرانی و ظلم و بیدادگری و گناه کسب آزادی نماید، هم وجدان خود را از این طریق اشباع کاذب کند و هم در برابر خلق خدا مسئولیتی برای خود قائل نباشد (همان: ۳۴۱/۵).

**قیامت: ۲۰-۲۱؛** چنین نیست که شما می‌پندارید [و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید] بلکه شما این دنیای زودگذر را دوست دارید و هوس‌رانی بی‌قید و شرط را؛ «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ». و [به همین دلیل] آخرت را رها می‌کنید؛ «وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ». دلیل اصلی انکار معاد شک در قدرت خداوند و جمع‌آوری «عِظَامَ رَمِيمٍ» و خاک‌های پراکنده نیست، بلکه علاقه شدید شما به دنیا و شهوات و هوس‌های سرکش سبب می‌شود که هرگونه

مانع و رادعی را از سر راه خود بردارید، و از آنجا که پذیرش معاد و امر و نهی الهی موانع و محدودیت‌های فراوانی بر سر این راه ایجاد می‌کند، به انکار اصل مطلب برمی‌خیزید و آخرت را بکلی رها می‌سازید.

## ۳-۴. عملکرد کسانی که به معاد اعتقاد ندارند

**شورا: ۱۰؛** آن‌ها هرگز به سبب عشق به قیامت و رسیدن به لقای محبوب این سخن را نمی‌گویند، بلکه از روی استهزا و مسخره و انکار چنین تقاضایی دارند... و در پایان آیه، به عنوان یک اعلام عمومی، می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»؛ آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می‌کنند [و بالجاج و عناد در مورد آن به محاجّه می‌پردازند] در گمراهی عمیقی هستند (همان: ۳۲۹/۴).

**سجده: ۱۰؛** ولی آن‌ها در حقیقت منکر خداوند بر این کار نیستند بلکه آنان لقای پروردگارش را انکار می‌کنند و می‌خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند؛ «بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ» (همان: ۳۲۸/۴).

**ق: ۱۹؛** در این می‌اندیشد که عمرش را در چه راه فانی کرده و روزگارش را در چه راهی سپری نموده است! به یاد ثروت‌هایی می‌افتد که در تهیه آن چشم برهم گذارده و از حلال و حرام و مشکوک جمع‌آوری نموده است و تبعات و مسئولیت گردآوری آن را بر دوش می‌کشد (همان: ۵۲۳/۴).

**نوح: ۴۷؛** ... روشن است انکار معاد و روز حساب و جزا تمام ارزش‌های الهی و اخلاقی را متزلزل می‌سازد، و انسان را برای ارتکاب گناه تشجیع می‌کند (همان: ۳۳۵/۵).

**قیامت: ۳-۶؛** ولی هدف انسان این است که ایامی را که در این دنیا در پیش دارد. [با انکار قیامت] مشغول به گناه و فجور باشد. پس، سؤال می‌کند روز قیامت کی خواهد بود (همان: ۵۷۴/۳).

**عنکبوت: ۲۴؛** حال نوبت آن است که ببینیم این قوم گمراه در برابر دلایل سازگار ابراهیم علیه السلام در زمینه توحید و نبوت و معاد چه گفتند؟ آن‌ها قطعاً پاسخ منطقی نداشتند.

پس، مانند همه زورمندان قلدر بی‌منطق تکیه بر حکومت شیطانی کردند و فرمان قتل او را صادر نمودند (همان: ۴۹۷/۳).

سبأ: ۸-۶؛ منکران معاد در پاسخ به انکار معاد می‌گویند: حتی قبول احتمالی آن، به هر حال، در انسان ایجاد مسئولیت و تعهد می‌کند و این مطلب بود که برای سردمداران کفر سخت خطرناک به حساب می‌آمد (همان: ۲۹/۴).

حدید: ۱۴؛ اما این دیوار چنان نیست که مانع عبور صدا باشد. پس، در این آیه می‌افزاید: «يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ»؛ آن‌ها را صدا می‌زنند؛ مگر ما با شما نبودیم. هم در دنیا با شما در یک جامعه می‌زیستیم و هم در اینجا در کنار شما بودیم. چه شد که ناگهان از ما جدا شدید و به روح و رحمت الهی رفتید. آن‌ها در پاسخ می‌گویند: آری! در همه جا با هم بودیم، در کوچه و بازار، در سفر و حضر. گاه همسایه هم بودیم یا حتی گاه در یک خانه زندگی می‌کردیم ولی از نظر مکتب و عقیده و عمل، فرسنگ‌ها با هم فاصله داشتیم، شما خط خود را از ما جدا کرده بودید و در اصول و فروع از حق بیگانه بودید. سپس، می‌افزاید: شما گرفتار خطاهای بزرگی بودید از جمله:

۱. «وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ»؛ شما خود را [به واسطه پیمودن طریق کفر] به هلاکت افکندید.

۲. «وَتَرَبَّصْتُمْ»؛ و انتظار [مرگ پیامبر را] کشیدید. افزون بر این، در انجام هر کار مثبت و هر حرکت صحیح حالت صبر و انتظار داشتید و تعلل می‌نمودید.

۳. «وَأَرَبْتُمْ»؛ و پیوسته [در امر معاد و رستاخیز و حقانیت دعوت پیامبر ﷺ و قرآن] شک و تردید داشتید.

۴. «وَعَرَبْتُمْ الْأَمَانِيَّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ»؛ و آرزوهای دور و دراز [آرزوهایی که هرگز دست از سر شما برنداشت] شما را فریب داد تا فرمان خدا [دائر بر مرگتان] فرارسید. آری! این آرزوها لحظه‌ای مجال تفکر صحیح به شما نداد و آرزوی وصول به شهوات و اهداف مادی بر شما چیره بود.

۵. «وَعَزَّكُم بِاللَّهِ الْعَزُورُ»؛ [از همه اینها گذشته] شیطان فریبکار [که پایگاهش را در وجودتان محکم کرده بود] شما را در برابر [فرمان] خداوند فریب داد. (همان: ۱۰۰/۵)

**ناس: ۶:** ... در حدیث پر معنا و تکان دهنده‌ای از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «هنگامی که آیه «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»؛ [کسانی که وقتی کار بدی انجام دهند یا به خویشان ستم کنند، خدا را یاد می‌آورند و برای گناهانشان استغفار می‌کنند] نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکه رفت و با صدای بلند فریاد کشید و سران لشکرش را جمع کرد. گفتند: ای آقای ما! چه شده است که ما را فراخواندی؟ گفت: این آیه نازل شده، آیه‌ای که پشت مرا می‌لرزاند و مایه نجات بشر است. چه کسی می‌تواند با آن مقابله کند؟ یکی از شیاطین بزرگ گفت: من می‌توانم، نقشه‌ام چنین است و چنان! ابلیس طرح او را نپسندید! دیگری برخاست و طرح خود را ارائه داد. باز هم مقبول نیفتاد. در اینجا، «وَسُوَاسِ الْخَنَّاسِ» برخاست و گفت: من از عهده آن برمی‌آیم. ابلیس گفت: از چه راه؟ گفت: آن‌ها را با وعده‌ها و آرزوهای سرگرم می‌کنم تا آلوده گناه شوند، و هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می‌برم! ابلیس گفت: تو می‌توانی از عهده این کار برآیی. نقشه‌ات بسیار ماهرانه و عالی است. پس، این مأموریت را تا دامنه قیامت به او سپرد (ر.ک. همان: ۶۳۱/۵).

### ۳-۳-۴. عاقبت افرادی که معاد اعتقاد ندارند

**روم: ۱۱:** بازبان منکر نیستند اما عملشان آنچنان آلوده و ننگین است که نشان می‌دهد آن‌ها اعتقادی به معاد ندارند، چراکه اگر معتقد بودند، نباید این چنین فاسد و مفسد باشند (همان: ۵۲۳/۳).

**غافر: ۲۱:** ... می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ آیا آن‌ها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند (همان: ۲۶۳/۴).

**مرسلات: ۴۶:** «وَيَلِّ يَوْمئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»؛ وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان. وای بر

آن‌ها که از تمام این نعمت‌ها و محبت‌ها محروم می‌شوند، که حسرت این محرومیت آزارش کمتر از آتش سوزان دوزخ نیست؟ (همان: ۳۵/۵).

**جائیه: ۲۷؛** ... در پایان آیه، می‌افزاید: «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدُ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ»؛ و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می‌بینند. حیات و عقل و هوش و مواهب زندگی سرمایه‌های انسان است. باطل‌گرایان آن‌ها را با متاع زودگذری که نسبت به آن هیچ ارزشمند نیست مبادله می‌کنند و روز رستاخیز، که تنها قلب سلیم و ایمان و عمل صالح به کار می‌آید، زیانکار بودن خود را با چشم مشاهده می‌کنند. (همان: ۴۱۷/۴)

**مؤمنون: ۱۴؛** آن‌ها که ملاقات پروردگار را انکار کردند مسلماً گرفتار زیان شدند (همان: ۵۸۶/۱).

**مؤمنون: ۴۱؛** این آیه، در حقیقت، نتیجه‌گیری نهایی از کل این آیات است که آنچه در این ماجرا گفته شده از تکذیب آیات الهی و انکار معاد و رستاخیز سرچشمه می‌گیرد و نتیجه دردناک آن مخصوص جمعیت و گروهی معین نیست بلکه همه ستمگران در طول تاریخ را شامل می‌شود (همان: ۱۰۰۳).

**کهف: ۱۰۵؛** «وَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ»؛ به سبب همین کفر به مبدأ و معاد، اعمالشان حبط و نابود شده، درست مانند خاکستری در برابر طوفان عظیم (همان: ۷۲/۳).

**سجده: ۱۲؛** مجرمان کافر و منکران معاد را که در قیامت با مشاهده صحنه‌های مختلف آن از گذشته خود سخت نادم و پشیمان می‌شوند چنین مجسم کرده، می‌فرماید: «وَكَلَّوْا تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ»؛ و اگر بینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده می‌گویند: پروردگارا، آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم. [ما پشیمانیم،] ما را بازگردان تا کار شایسته‌ای انجام دهیم ما به [قیامت] یقین داریم، [در تعجب فروخواهی رفت].

**نبأ: ۲۱؛** ... می‌فرماید: إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا؛ بی‌تردید، [در آن روز] جهنم کمینگاهی است بزرگ. از این گذرگاه عمومی، احدی از سرکشان نمی‌تواند بگذرند یا فرشتگان عذاب آن‌ها را می‌ربایند یا جاذبه شدید جهنم (همان: ۳۸۵/۵).



**احقاف: ۳۳-۳۵؛** چراکه قیامت به زودی فرامی‌رسد و آنچه را درباره آن شتاب داشتند با چشم خود می‌بینند و سخت مجازات می‌شوند و به اشتباهات خود پی می‌برند. به قدری عمر دنیا در برابر آخرت کوتاه است که «كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ»؛ هنگامی که آن‌ها و عده‌هایی که به آن‌ها داده می‌شود، می‌بینند احساس می‌کنند که گویا در دنیا جز ساعتی از یک روز توقف نداشتند! بعد به عنوان هشدار به همه انسان‌ها می‌افزاید: [این ابلاغی است] برای همه، [بلاغ] برای تمام کسانی که از خط عبودیت پروردگار خارج شدند، برای کسانی که غرق در زندگی زودگذر دنیا و شهوات آن گشتند، و بالاخره ابلاغی است برای همه ساکنان این جهان ناپایدار (همان: ۴۳۸/۴).

**یونس: ۷؛** در حقیقت، نتیجه عدم ایمان به معاد دلبستگی به این زندگی محدود و مقام‌های مادی و اطمینان و اتکاب به آن است (همان: ۲۷۸/۲).

**قصص: ۳۹؛** قرآن، سپس، به استکبار فرعون و فرعونیان و عدم تسلیم آن‌ها در برابر مبدأ و معاد، که جنایات آن‌ها از انکار همین دو اصل سرچشمه می‌گرفت، پرداخته است و می‌فرماید: «وَأَسْتَكْبَرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ»؛ فرعون و لشکریانش به ناحق در زمین استکبار کردند [و خدا را که آفریننده بزرگ زمین و آسمان است انکار نمودند] و گمان کردند که [قیامتی در کار نیست] و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند.

**مرسلات: ۴۶؛** و از آنجا که یکی از عوامل انکار معاد پرداختن به لذات زودگذر دنیا و تمایل به آزادی بی‌قید و شرط برای بهره‌گیری از این لذات است، در این آیه روی سخن را به مجرمان کرده، بالحنی تهدیدآمیز می‌فرماید: «كُلُّوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ»؛ بخورید و بهره‌گیرید در این مدت کم [از زندگی دنیا و بدانید عذاب الهی در انتظار شماست] چراکه شما مجرمید (همان: ۳۷۵/۵).

**انشقاق: ۱۴؛** در حقیقت، منشأ اصلی بدبختی او اعتقاد فاسد و گمان باطلش بر نفی معاد بود و همین اعتقاد سبب غرور و سرور او شد و او را از خدا دور ساخت و در شهوات و انواع گناهان غوطه‌ور نمود، تا آنجا که دعوت انبیا را به باد استهزاء گرفت و

وقتی به سراغ خانواده خود می‌آمد از این استهزاء و سخریه شاد و خوشحال بود، همین معنادر آیه ۳۱ سوره مطففین نیز آمده است (همان: ۴۱۴/۵).

یکی از عوامل اصلی تفاخر و تکاثر همان جهل و نادانی نسبت به پاداش کیفر الهی و عدم ایمان به معاد است. از این گذشته، جهل انسان به ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌هایش به آغاز پیدایش و سرانجامش از عوامل دیگر این کبر و غرور و تفاخر است. عامل دیگر همان احساس ضعف و حقارت ناشی از شکست‌هاست، که افراد برای پوشاندن شکست‌های خود به تفاخر و فخر فروشی پناه می‌برند (همان: ۵۷۰/۵).

**ذاریات: ۹:** ... بنابراین، مجموع آیه چنین معنا می‌دهد: کسانی از ایمان به معاد منحرف می‌شوند که از مسیر دلیل عقل و منطق حق طلبی منحرف گشته‌اند (همان: ۵۳۵/۴).

**نازعات: ۱۵:** ... به داستان فرعون، یکی از طغیانگران بزرگ تاریخ، و سرنوشت دردناک او اشاره می‌کند، تا هم مشرکان عرب بدانند که افراد نیر و مندتر از آن‌ها نتوانستند در برابر خشم و عذاب الهی مقاومت کنند و هم مؤمنان را دلگرم سازد که از برتری نیروی ظاهری دشمن هر آسی به دل راه ندهند، چرا که در هم کوبیدن آن‌ها برای خداوند بسیار سهل و آسان است (همان: ۳۹۶/۵).

## نتیجه‌گیری

- با تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، و با استنباط تحلیلی و کیفی، مدل مفهومی تأیید می‌شود و با کشف عوامل (۵۴ گانه) و موانع (۱۴ گانه) جدید، مدل نهایی به شکل مندرج در صفحه ۶۸ ارائه گردید. تشریح مجملی مدل مبین آن است که «هر چقدر میزان اعتقاد به معاد بالاتر رود، میزان اثربخشی در مدیریت هم افزایش می‌یابد و در صورت فقدان یا کاهش اعتقاد به معاد اثربخشی در مدیریت نیز کاهش می‌یابد. کلیه عوامل، موانع و ویژگی‌های استخراج شده، از جمله مؤلفه‌های مورد بحث در مدیریت رفتار سازمانی، سبک‌های رهبری و ... می‌باشد.

- استنادات در بخش‌های مختلف نشانگر آن است که خداوند با «مدیریتِ رحمانی» یک واحد عظیم و پیچیده (عالم هستی) الگوی مدیر مسلمان در ایفای نقش خلیفه الهی و مدیریت اسلامی است و مدیریت اسلامی، بیش از هر نوع مدیریت، باید در کسب معارف، آموزش و تخلق به شیوه‌های مدیریتِ رحمانی جدی‌تر باشد و مدیریتی متأثر از آن داشته باشد.

- تأثیر کنترل بر عملکرد محرز و کتمان‌ناپذیر است؛ امروزه، تلاش می‌شود با تمسک به پیشرفت‌های تکنولوژی القا شود که عملکرد افراد در سطوح و از زوایایی مختلف به صورت‌های گوناگون به وسیله ابزارهای فنی و انسانی تحت کنترل است. اما با همه این تسلط، کارکنان فرصت‌طلب و متمایل به انجام تخلف و انحراف در هر زمان و مکان، اگر احساس کنند موضع و موقعیت آنان تحت کنترل نیست و زمینه را جهت ارتکاب گناه (قصور، تخلفات و جرایم اداری) مناسب می‌باشد، نسبت به قصور و تخلف مدنظر خود اقدام می‌نمایند. این در حالی است که قبول و اعتقاد به دستگاه کنترل خداوند متضمن این معناست که هیچ نقطه و زاویه کوری وجود ندارد که کمترین حرکات، سکانات، نیات و افکار در بیرون از آن انجام گیرد. تفکر در مورد این ناظر و نظارتِ همیشگی، نزدیک و درونی در همه مراحل و در همه وظایف مدیریت، به‌ویژه در وظیفه نظارت و کنترل، نقش بی‌بدیلی داشته، موجب قوت‌بهترین کنترل‌ها (خودکنترلی) است که هیچ عامل دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. لازم به ذکر است که بیشترین مباحث مربوط به معاد در خصوص اهمیت، ضرورت، و چگونگی کنترل و نظارت و مفاهیم و افعال مرتبط به آن می‌باشد.

- معمولاً توحید (مبدأ) و اصول اعتقادی دیگر در جاهای مختلف با معاد همراه است. از این رو، تقویت هر کدام از اصول دین تقویت دیگری و تضعیف هر کدام تضعیف دیگری است.

- به نظر می‌رسد که فهم عمومی از مباحث اعتقادی همچون معاد با سختی‌هایی مواجه است و بنا به استنادات ارائه‌شده این موضوع یکی از دلایل فاصله و دوری مردم و

کارکنان سازمان‌ها از این مهم است که آموزش‌های متناسب با آن را ضروری می‌کند. در این رابطه، به مسئولان اجرایی توصیه می‌شود که ضمن احصاء و برنامه‌ریزی اقدامات لازم در این رابطه نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. از طریق مجاری ذی‌ربط در سامانه اداری کشور [در هر سطح از مدیریت و مدیران] و با انجام اقداماتی لازم و ظریف، در ترویج اعتقاد به معاد و مخصوصاً تأکید بر سیطره کتتری دستگاہ الهی - که موجب خودکنترلی می‌گردد - تلاش شود تا این اعتقاد را به بخش مستحکم اعتقادی مدیران و کارکنان تبدیل گردد.

۲. در انتصاب مدیران، به میزان و استحکام این بخش از عقاید و همه مؤلف‌های مربوط به آن، به صورت جدی، توجه شود و به این مهم در رأس ملاک و معیارهای تعهد بهاداده شود.

۳. مسئولان در مراکز آموزشی مرتبط نیازسنجی موضوعات پژوهشی در این خصوص را در اولویت قرار دهند.

۴. ضمن تأکید نیازسنجی پژوهشی دقیق در این رابطه، اجرای موضوعات زیر به محققان پیشنهاد می‌شود:

توزیع گزیده‌ای از مباحث معاد [مرتبط با مدیریت] تهیه و به صورت نوبه‌ای برای مدیران سطوح مختلف

سنجش میزان اعتقاد به معاد در اثربخشی مدیران با روش میدانی

توجه به واژه‌های مرتبط بیشتر و افزودن به گستره معنایی آن برای تکمیل این تحقیق

عوامل و راه‌های مؤثر در افزایش اعتقاد بر معاد در مدیران

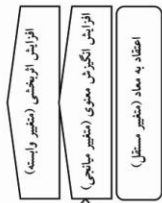
موانع اعتقاد به معاد و نقش آن در مدیریت

تحقیقات در خصوص معاد با استفاده از نظرات روان‌پزشکی و روان‌شناسی

بررسی در مورد مدیران موفق و ناموفق و تعیین میزان تأثیر معاد در نوع مدیریت آنان

بررسی میزان موفقیت افراد در مقایسه با میزان اعتقاد آنان به معاد.

۱. چشم‌انداز، اهداف آرمانی، سیاه و واقع: ۶۲-۶۳
۲. طرفداری از هوا و هوس: سجده: ۲۵
۳. تشویق، صفات: ۶: سیاه: ۴
۴. تأکید بر نظم‌مندی: سجده: ۱۰
۵. افزایش التزام عملی دستورات: بقره: ۲۵۸
۶. افزایش هماهنگی: بقره: ۲۵۸
۷. انجام اعمال صالح: شأن نزول فاطر
۸. تأکید بر کارهای برنامه‌ای مبتنی بر تفکر؛ شأن نزول فاطر
۹. آگاهی‌بخشی و توجه دادن به مسئولان: انفطار: ۶
۱۰. ضرورت هدایت و توصیه به صبر: قیامت: ۴۰
۱۱. ضرورت هدایت: قیامت: ۴۰
۱۲. نیاماندن راه‌های وصول به نعمت‌های فراوان: قیامت: ۴۰
۱۳. ایجاد فرهنگ ممنوع (بستی بر الوهیت) در سازمان: طه: ۶
۱۴. توجه و تأکید به مسئله مراتب در توجه به توحید: نغابین: ۱۲
۱۵. ایجاد و تقویت فکر جامع و اهرم‌دی: سیاه: ۸، واقع: ۶۲ و ۶۳
۱۶. مطالعه با استرس، امیدبخشی و پاداش: قیامت: ۲
۱۷. تقویت خودکنترلی: سیاه: ۳ و ۱۸: ق
۱۸. ثبت و مدیریت عملکرد؛ شأن نزول فاطر
۱۹. نظارت دقیق (مصلح عالی نظارت): لقمان: ۱۶
۲۰. ضرورت اصلاح و تربیت از طریق نظارت و بازرسی: الرحمن: ۴۲
۲۱. تضمین منافع: حدید: ۹
۲۲. کنترل و تعدیل هوس و امیال نفسانی: قیامت: ۲۱ و ۲۱
۲۳. وجود شاخص‌های درجه‌بندی کارکنان با تأکید بر کار درست و عدالت: احقاف: ۱۷
۲۴. نفی نسب و مطالعه با دانش‌خواهی: تبار: ۱۷
۲۵. تضمین عدالت در سازمان: اعراف: ۲۹
۲۶. ضرورت توجه و تئین: زمر: ۷
۲۷. معرفی نمونه‌های برجسته و معیارهای موفقیت: شوری: ۹
۲۸. دقت در ارزیابی عملکرد: سبأ: ۳۱
۲۹. پرهیز از اسراف و تبذیر: مرسلات: ۴۶
۳۰. ارزیابی و مدیریت عملکرد؛ ذاریات: ۲۲
۳۱. غفلت و دانایی: چاله: ۲۴ و ۲۷
۳۲. انذار و تبشیر: اسراء: ۵۸
۳۳. ایجاد تعهد و مسئولیت: پس: ۸-۷
۳۴. مقابله باعلاقه شدید به دنیا و هوسرانی: قیامت: ۲۰-۲۱
۳۵. ایجاد آراش از طریق تضمین موفقیت‌ها: ذاریات: ۲۲
۳۶. برتری قدرت معنوی بر قدرت مادی: نازعات: ۱۵
۳۷. اعتقاد به معاد لازم و ملزوم اعتقاد به توحید و نبوت؛ شأن نزول فاطر
۳۸. رویکرده تکاملی: قیامت: ۳۰
۳۹. اعتقاد به معاد (با تفکر، دقت و اندیشه) کلید حل مسائل؛ غافه: ۱۷
۴۰. باکی اعمال و اتفاق و بخشش در راه خدا(بدون چشم‌داشت): بقره: ۳۶
۴۱. دعوت و توصیه به رهبری شایسته: قیامت: ۴۰
۴۲. انکار، گفتار و رفتار پاک: بقره: ۳۶
۴۳. برخورداری از برنامه‌های سازنده همراه صبر و استقامت: بقره: ۳۶
۴۴. اتفاق در آشکار و پنهان: بقره: ۳۶
۴۵. ترک انتقام‌جویی: بقره: ۳۶
۴۶. موجب خودکنترلی، تعهد و مسئولیت و امانتداری: تفسیر شأن نزول سوره احزاب
۴۷. ایجاد زمینه‌های تربیتی عمیق: شوری: ۱۰
۴۸. برخورداری از روح وسیع، همت بلند و عمل نیکو: مطفقین: ۱۸
۴۹. پاسخ‌گوئی و آمادگی مؤاخذة مؤمنون: ۶۰
۵۰. تشویق و امید بر پاداش عظیم: حدید: ۱۹
۵۱. صداقت و مطابقت قول و عمل: حدید: ۱۹
۵۲. تأکید بر استفاده از تجربه: غافر: ۲۱
۵۳. ستم و برخورد از قابلیت: اعراف: ۳۰
۵۴. اكمال دنیا در توجه به معاد: چاله: ۲۷



۱. طرفداری از هوا و هوس: سجده: ۲۵
۲. تشویق، صفات: ۶: سیاه: ۴
۳. تشک و ناامی: نجم: ۵۰
۴. ایجاد فرور و غفلت: انفطار: ۱۰
۵. تشویق: پس: ۸
۶. نام و پشیمان و ناام: نأه: ۵ و سجده: ۱۲
۷. انساب ناامی‌ها بر دیگران: سیاه: ۳۱
۸. خودبزرگبستی و لجابست: ق: ۵
۹. علاقه به انجام گناه و فجور: قیامت: ۳-۶
۱۰. علاقی دنیوی، رابطه‌بازی، تعصب، جهل و غفلت: روم: ۱۹
۱۱. بی‌مغنی و استبداده عنکبوت: ۲۴
۱۲. جهل و نادانی و لجابست و عناده صفات: ۱۲
۱۳. جنابیت: قصص: ۳۹
۱۴. بی‌توجهی به حق و فراموشی خدا، مخالفت با کار و تفکر مثبت و صحت: حدید: ۱۴
۱۵. تجمل و فخرفروشی و افزون‌خواهی (افراطی) اموال: حدید: ۲۰
۱۶. آزادی همراه غفلت برای هوسرانی، ظلم و پیداکردی: قیامت: ۵-۶
۱۷. علاقه شدید به دنیا، شهوت، هوس و سرکشی: قیامت: ۲۱-۲۰
۱۸. تمایل به آزادی برقیودشرط برای بهره‌گیری از لذات: مرسلات: ۴
۱۹. دوری ازعناد، فرور، غوطه‌وری در گناه: انفطار: ۱۴
۲۰. برخورداری از اطرافیان و مشاوران گمراه: سبأ: ۷
۲۱. انحراف از مسیر غفلت، غفلت و طغیانی: ذاریات: ۹
۲۲. عدم استفاده از تجربه ناامی گذشتگان، نازعات: ۱۵
۲۳. استفاده نکردن از ناصح مشفق: زخرف: ۷۸
۲۴. ترک افکار (روحیه تعاریف در جامعه): فصلت: ۷
۲۵. اهل استهوار و تمسخر بودن: شوری: ۱۰
۲۶. فاسد و فسدسودج: روم: ۱۱
۲۷. خواهان هوسرانی ازافاده: سجده: ۱۰
۲۸. عدم همت از گذشته و ناامی‌های پیشین: غافر: ۲۱
۲۹. پذیرش (توجه‌گرایانه) اجبار ونبود اختیار برای انسان: اعراف: ۳۰
۳۰. محرومیت از منابع (کامل): مرسلات: ۴۶
۳۱. ترجیح سودلک و کورآمدت بر سود زیاد بلندمدت: چاله: ۲۷
۳۲. حب مال و دنیا، مقام، هوس‌های سرکش و حسادت، تعصب و جهل: اسحاق: ۱۷
۳۳. ریاکاری و متضرر؛ مؤمنون: ۱۴
۳۴. طلب همه متنکران معاد: مؤمنون: ۴۱
۳۵. سرچشمه انحراف‌ها و نیکبازی‌ها: هود: ۱۹
۳۶. حیث و ناپودی اعمال: کلهف: ۱۰۵
۳۷. بهره از ثروت‌های اندوخته‌شده ویاچار به پاسخ‌گوئی در مورد نحوه گردآوری آن: ق: ۱۹
۳۸. از یاد خدا، حق و نیکی نازاحت بودن و از شنیدن باطل سرور شدن: زمر: ۲۱
۳۹. ارزش الهی و اخلاقی متزلزل و تشنج برای ارتکاب گناه: نوح: ۴۷
۴۰. معادب در انتظار چشمه: تبار: ۲۱
۴۱. دلگسبگی به موابه و مقام‌های مادی: یونس: ۷

## منابع

بابایی، احمدعلی (۱۳۷۶). برگزیده تفسیر نمونه، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

براتی، اکرم (۱۳۸۱). نقش تربیتی معاد در کنترل انحرافات، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر علی قائمی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، مرکز.

بلانچارد، کنت (۱۳۷۸). مدیریت تواناسازی کارکنان، ترجمه مهدی ایران نژاد. تهران: نشر مدیران.

بهشتی، محمدحسین (۱۳۷۸). بایدها و نبایدها؛ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن، تهران: بقعه.

جاسبی، عبدالله (۱۳۷۸). مباحثی از مدیریت اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). مدیریت در زمان بحران، ترجمه محمدرضا صالحی، اصفهان: نشر فرهنگ مردم.

خمینی [امام]، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور [ج ۲۱]، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دری نجفآبادی، قربانعلی (۱۳۷۶). اسلام، انسان، بهره‌وری، تهران: سازمان بهره‌وری ملی ایران.

دشتی، محمود (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه، شهرری: نشر بی‌غش.

روزنامه کیهان، (۱۳۸۲/۶/۴)، «اعتماد به معاد و اثرات تربیتی آن».

عابدی جعفری، حسن (۱۳۸۵). مباحث کلاسی درس فلسفه مدیریت اسلامی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مرکز آموزش مدیریت دولتی / ۱۳۷۷: ۲۳)

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). سخنرانی ماه رمضان باموضوع «معاد» در رادیو.

نقی پورفر، ولی الله (۱۳۷۷). اصول مدیریت اسلامی - و الگوهای آن، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.

سایت اینترنتی شهیدآوینی - [www.aviny.com](http://www.aviny.com)